



۲۰۱۴/۲/۲۱



م، نعیم بارز

محترم آقای عباسی،

اعتبار شخصیت سیاسی اجتماعی دوکتور اسپننا تابع مقام دولتی نیست!

تشکر از شما آقای عباسی صاحب که انتقاد تان را نسبت به نوشته اینجانب تحت عنوان (دوکتور اسپننا از موضع برحق و استوار کرزی دفاع کرد) به روش دوستانه و مؤدبانه به خوانندگان محترم «پورتال افغان جرمن آنلاین» ارائه نموده اید.

اینک من هم می گویم احترامانه، بعضی نکاتی از نوشته شما را به بحث گیرم:

صفحه ۱- پراگراف ۱- چنین آمده است: «هیچ یک از نویسندگان پورتال معزز افغان جرمن آنلاین سر دشمنی با کرزی ندارد...» امید وارم همین طور باشد، اما اختلاف و انتقاد را نمی توان رد کرد، آنهم بعضی ها انتقادات شان را متواتر بگونه ای پیش می کشند که حتی یک نکته مثبت را در شخصیت و کارکرد رئیس جمهور کرزی نمی بینند که بدین ترتیب روش انتقاد و اعتراض، نمودی از بدبینی و کینه توزی مفراط را بخود می گیرد و در آخرین تحلیل از نظر تبلیغی کاریست در خدمت مخالفان و رقبای کرزی که هیچ کدام برتری و سوابق کاری بهتر از او ندارد.

ص ۱- پ ۲-: «موضوعات حاد سری ممالک را ویکی لیک و غیره افشا کرده اند.» از مسأله خوب یاد آور شده اید و شاید بپذیرید آنچه تاکنون افشاء شده و به نشر رسیده مخالفان سرسخت کرزی یا آنرا نخوانده اند و یا اگر خوانده و دریافته اند که خلاف مواضع قبلی شان بوده تا حال با اطلاع از آن موضع گذشته شان را به نقد نگرفته اند، منتظر برداشت شما هستم.

در ارتباط به آن، جا دارد از کار ترجمه مطالب بسیار ارزشمند دوستان به مدیریت محترم دوکتور عبدالله کاظم که بهترین و موثرترین اطلاعات را در اختیار ما گذاشته اند قدردانی نمایم.

ص- ۱- پ ۳- فرموده اید: «پایگاه های نظامی و... دلالت به دون همتی هیچ افغانی نمی کند، بلکه شرایط عینی مملکت که زاده غفلت و ناپیکاری سیزده ساله این دولت (دولت کرزی) است، ضرورت آنرا حکم می نماید.»

بلی ضرورت ایجاد پایگاه در کشور کاملاً محسوس است و رئیس جمهور کرزی نیز بارها آنرا تأیید نموده است و دیگران نیز در مورد قبلاً استدلال های شان را ارائه داده اند، اما به دو نکته ای که شما به آن اشاره نموده اید جای بحث دارد.

یکی اینکه گفته شده ایجاد پایگاه «دلالت به دون همتی هیچ افغانی نمی کند» ولی از دید من با شناخت از گذشته های تأریخی که مردم افغانستان همواره در برابر تهاجمات بیگانگان از سرزمین، هستی و شرف خود خوب دفاع نموده و هیچگاه استعمار و نفوذ دولت های بیگانه را نپذیرفته بلکه حتی گاهگاه توانسته اند امپراتوری هایی تشکیل دهند، ولی در این مقطع زمان که برای حفظ هستی و موجودیت افغانستان نیاز به حمایت دولت بیگانه پیدا کرده ایم چه به روی خود بیاوریم یا نیاوریم یک مقدار مایه شرم و ننگ است و بیشتر مایه شرمساری آنهایی است که در اثر جنگ های داخلی اتحاد نسبی اقوام کشور را بدشمنی مبدل نموده و توانائی دفاعی کشور را تا این حد ضعیف ساختند.

نکته دیگری که شما فرموده اید: «شرایط عینی مملکت زاده غفلت و ناپیکاری سیزده سال اخیر بوده». درست نیست و نباید آنرا صرف به سیزده سال اخیر و به دوران کار و ضعف کرزی نسبت داد و نباید موضوع را در سطح و در کف کفایت این و آن دید بلکه از موضع جامعه شناسانه یعنی با درک شرایط عینی و ذهنی و اوضاع منطقه و جهان مسایل را به تحلیل و بررسی گرفت. باید نفوذ دولت امریکا، دخالت دولت های همسایه و نیروهای متخاصم داخلی را توضیح نموده و پس از آن نشان داد که چقدر دست کرزی در اجرای امور دولتی و کشوری باز بوده و چه کارهایی را می توانسته انجام دهد که نخواست و یا نتوانسته آنرا انجام دهد.

مثلاً در جلوگیری از فساد گسترده در کشور آیا می توانسته قدرت های داخلی را که در زد و بند با انجو ها و قدرت های خارجی خلاف منافع همگانی کشور های شان سوء استفاده شخصی نموده اند، مانع شان شود؟

شما خوبتر می دانید که در نظام شاهی چهل سال کشور از ثبات نسبتاً خوبی برخوردار بود، آرام آرام سیر طبیعی رشد و انکشاف جریان داشت ولی کسانی چون سردار محمد داوود خان با منتهای قدرت طلبی و یا هم کسانی در تحت نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی دولت شوروی دست به کودتا زدند و بالاخره مدعیان اسلام رنگارنگ در تحت نفوذ رهبران سیاسی، مذهبی پاکستان

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

و ایران آنچه در طول صدها سال بوجود آمده بود، چه از لحاظ ساختارهای مادی و چه ارزشهای معنوی و اخلاقی تقریباً همه را از بین بردند.

در دوران مقاومت علیه تهاجم شوروی هرگاه کسی حرف چگونگی ایجاد هسته های یک دولت ملی آینده را پیش می کشید از سوی دوکان داران دین با تهدید و خشونت مواجه شده و حتی پاسخ نخبگان به اصطلاح بی طرف این بود که حالا وقت این حرفها نیست بگذارید روسها بروند آنگاه همه چیز درست می شود، روسها رفتند ولی دیدیم که چه صحرای محشر بر پا شد، من این موضوع را در همان وقت در مجله «نی نامه» پیش بینی نموده بودم، بهرحال مردم کابل و جا های دیگر که توان فرار نداشتند جان دادند و یا آنهایی که زنده ماندند با رنج و درد بیکران ساختند.

آقای محترم عباسی صاحب!

شما می دانید که ویرانی شهرها و سرکها را می توان در مدت چند سال اعمار کرد، همانطوری که پس از جنگ جهانی دوم آلمانها با داشتن ظرفیت های علمی و معنوی توانستند آلمان را به زودی بازسازی کرده و با وجود پرداخت تاوان جنگ، کشورشانرا به قدرت اقتصادی درجه یک اروپا مبدل نمایند، اما افغانستان که قبل از جنگها هم چندان ظرفیت هایی را در خود نداشت و آنچه ارزشهای اخلاقی و ساخت و بافت اجتماعی را که داشت آنها را نیز از دست داد، بنابراین احیای آنها چه چیزها در ۸ سال وقت می طلبد.

علاوه از جنگها و نا هنجاری های داخلی، مدعیان مدافع آزادی، دیموکراسی و دفاع از حقوق بشر می دانستند که ظرفیت های بازسازی را افغانها به تنهایی ندارند لذا بیش از چهل دولت با سردمداری امریکا در افغانستان لشکر کشیدند و وعده سپردند که تروریسم را در افغانستان و منطقه نابود می کنند، و همه چیز را بهتر از گذشته بازسازی می نمایند اما به اصطلاح ناجی های خارجی آزادی خواه و بشر دوست تا توانستند مردم بی گناه کشور را کشتند و آنچه تعهد سپرده بودند انجامش ندادند. سالهاست که میلیون ها افغان در پی کار در ایران و پاکستان با یک عالم حقارت و محرومیت بسر می برند و از ترس بیکاری جرئت برگشت به کشور را ندارند. و شما می پذیرید که تروریسم شکست خورده و دولت های پاکستان و ایران از مداخلات بی شرمانه جنایتکارشان در افغانستان دست نکشیده اند. با اینحال امریکا در فکر ایجاد پایگاه های خود است و مردم فقیر و بیچاره ما به غم نان شب و روز و ترس از آینده که مبادا در غیاب نیروهای بین المللی جنگ با شدت بیشتر از پیشتر ادامه یابد و بار دیگر استبداد طالبانی در کشور مستقر گردد.

بی ارتباط نخواهد بود اگر یک نقل قول از شتابان مایر وزیر خارجه آلمان که چند روز پیش به افغانستان رفته و از رئیس جمهور کرزی خواسته تا هرچه زودتر قرارداد «امنیتی» را با امریکا امضاء نماید، او در بازگشت به تاریخ ۱۳ فبروری در پارلمان مرکزی آلمان گفته است هرچند همه امیدواری هایی که در آغاز مأموریت در افغانستان مطرح بود بر آورده نشده است اما چیزهای زیادی بدست آمده است.»

معلوم نیست مقصد وی از چیزهای زیاد چه بوده؟ مهمترین مأموریت سرکوب تروریسم و بازسازی کشور ویران افغانستان بوده که انجام نیافته اند، اگر بار دیگر جنگ داخلی درگیرد چیزهای کمی که در ظرف سیزده سال بوجود آمده به زودی از بین خواهند رفت.

بدنبال سخنان وزیر خارجه آلمان گریگور گیزی رئیس جناح پارلمانی حزب چپها در پارلمان آلمان در مقابل سخنان وزیر خارجه گفته است «برعکس عملیات جنگی در افغانستان فاجعه بار بوده و شتابان مایر تقاضا کرد تا از سربازان افغان و آلمانی معذرت بخواهند.

همچنان بورگن تریش سیاستمدار حزب سبزها چنین گفته: «ناتو در افغانستان یک اندازه شکست خورده است.» یکی دیگر از نمایندگان به اسم گیزی بر، رد اصولی همه عملیات های جنگی اردوی فدرال تأکید نموده گفت «سر انجام این جنون باید پایان یابد.»

ص- ۱- پ ۴-: «ما باید از روز اول تهاجم امریکا و متحدینش بر افغانستان فهم و درایت آنرا می داشتیم و میدانستیم که هدف این ورود ناخواسته نجات مردم افغانستان از بدبختی و سیاه روزی نبوده اگر واقعه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ و حوادث مرتبط بعدی رخ نمی داد چنین توجه بحال افغانستان مبذول نمی گشت.»

محترم آقای عباسی!

اینرا کیست که نداند، همه مردم افغانستان و جهان دریافته و حتی از دیر زمان بدینسو می دانند که هیچ دولتی خاص از برای خدا یا به خاطر دفاع از حقوق بشر برای مردم دیگر، جان سربازان شان را به کشتن نمی دهد و دارائی اش را به رایگان به مصرف نمی رساند، دانستن این مسأله که به منظور چه هدفی آنها به کشور ما لشکر کشیدند چیزی نیست که افغانها ندانند ولی چه می دانستیم و یا نمی دانستیم آنها تصمیم شان را می گرفتند و عملی می کردند، مردم افغانستان توان آنرا در خود نداشت که مانع تصمیم گیری و لشکر کشی شان به کشور می شد، آیا احياناً اگر نمی آمدند رژیم طالبی در کشور بهتر بود؟ و یا حالا که می دانیم در توان داریم که آنها را وادار به اجرای تعهدات شان نماییم؟ معلوم است که نه.

ص ۱- پ ۵-: «کسی به ائتلاف ناتو نگفت که این وطن من است و شما برای حصول اهداف خود از زمین و آسمان کشوری استفاده می نمائید که متعلق بمن است. . .»

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ

نمی دانم ذکر این جمله که گفته می شد «این کشور من است»، چه مسأله را حل می کرد؟ اگر مقصد از مخالفت با بمباران افغانستان توسط نیروهای ناتو و مسأله مسؤلیت دفاع از جان و هستی مردم که مربوط به رئیس جمهور کرزی می شود، رئیس جمهور نه تنها بارها و به صراحت به نیروهای ناتو و امریکائی ها گفته که شما حق ندارید خانه های مردم افغانستان را تلاشی و بمباران کنید بلکه اخطارها نیز صادر نموده چنانکه در مورد قوای امریکائی در وردک ضرب العجل تعیین کرد که باید در ظرف دو هفته نیروهای شان از آنجا خارج شوند.

اگر مشکل جوامع انسانی با گفتن سخن حق، امکان حل می داشت ما در تاریخ شاهد آنهمه جنگ ها و خونریزی های وحشیانه نمی بودیم مگر پس از دو جنگ جهانی خانمان سوز و ویرانگر تا کنون با وجود بمباران سازمان ملل متحد و نهاد های دیگر انسان ها قادر به جلوگیری از جنگ و تأمین صلح سراسری در جهان نشده اند، بخصوص مانع جنگ قدرت علیه ضعیف که بتواند حق را به صاحبانش برساند.

ص ۱- پ ۶-: «ای کاش شخص اول مملکت از بدو مرحله زمامداری منافع علیای کشور مطمح نظرش می بود و چنین موقف ملی گرفتن را از شروع کار اختیار نموده به دفاع از منافع حقیقی افغانستان پافشاری می نمود که حالاً در دم واپسین غرض انحراف توجه ملت افغانستان و جامعه جهانی از جمیع نا بکارها و سهل انگاری های عمدی و غارت بلین ها دالر چین را چپه پوشیده . . .»

محترم آقای عباسی!

شما چگونه دریافته اید که «شخص اول مملکت از بدو مرحله زمامداری اش منافع علیای کشور را» در نظر نداشته است؟ آیا قبول دارید که در اثر بیست و سه سال جنگ های داخلی و خارجی همه ساختارهای مادی و معنوی از بین رفته بود و آنچه کادر فنی و اداری که قبلاً وجود داشت به اروپا و امریکا فرار نموده بودند و در رژیم طالبان افراد نیمچه باسوادی هم چندان وجود نداشت؟

در آن وضع پس از سقوط رژیم طالبان همه شاهدیم که به کمک دول خارجی از نو قانون اساسی و نهاد های دولت بوجود آمد و اکثراً از عناصر بی کفایتی تشکیل شد، بنهائی در یک کشور جنگزده و کاملاً ویران، دولت تازه تشکیل شده به کودکی می ماند که به یکبارگی نمی تواند روی پای خود بایستد. می باید مثل هر پدیده دیگر دوران تکامل را به تدریج از سر بگذرانند ولی از یک فرد که دوازده سال تجربه کاری را پشت سر گذاشته آنهم در مقام ریاست جمهوری افغانستان، منطقی نخواهد بود پرسیده شود که چرا کارهایی را که حالا انجام می دهی در آغاز نتوانستی انجام دهی؟

خلاصه آرزوها و توقعات وطن دوستانه شما چیز نیست که بی تردید بسیار کسان نیز چنین احساسی را دارند. اما آرزوهای فردی و حتی گروهی زمانی که شرایط جامعه برای تحقق آن آماده نباشد، فرد و یا گروهی نمی تواند کاری به دلخواه همه انجام دهد و اگر «فرد اول» به دلخواه خود ناسنجیده عمل کند، طوریکه تجربه نشان داده است باعث درگیری و بحران می شود بخصوص در کشوری مثل افغانستان با موجودیت اقوام مختلف و همسایه های متخاصم همیشه زمینه درگیری و جنگ وجود داشته است. لذا از نظر من مهمترین وظیفه فرد اول کشور از آغاز تا کنون این بوده تا با درک همه جانبه از اوضاع کشور و جهان و حوصله مندی از جنگ و خونریزی جلوگیری کند که خوشبختانه آقای کرزی در این کار زار بسیار حساس موفق بوده است. شما از «موقف ملی گرایی . . . و منافع حقیقی افغانستان» سخن گفته اید بدون اینکه نشان داده باشید سیاست ملی در پیش برد وظایف ریاست جمهوری چیست؟ و «منافع حقیقی افغانستان» کدام است؟ و چگونه میتوان از درون این همه اختلافات و تضاد های داخلی و خارجی به آن رسید؟

در یک بیان کلی منافع ملی یا حاکمیت ملی بیان موقعیتی است که در آن یک ملت یا یک جامعه تحت سلطه هیچ دولت و کشوری نباشد. یا به عبارت دیگر حاکمیت ملی اینست که جامعه از تسلط و نفوذ قدرت های بیگانه در امان بوده و خود دارای استقلال باشد.

شما شاید راجع به «منافع حقیقی افغانستان» تصور بسیار خوب و عالی در ذهن داشته باشید و بروی کاغذ هم ارائه کرده بتوانید ولی آیا اگر در جایگاه کرزی قرار می داشتید با آنچه در بالا به آن اشاره شد و با آنهمه انسان ها و گروه های مخالف که هر کدام از حمایت دولت های خارجی برخوردار بودند و هستند، می توانستید پروژه های تان را به دلخواه تان عملی نمائید و مانع سوء استفاده جوئی های شان شوید؟ معلوم است که نه شما و نه من و نه هیچ کس دیگری بصورت فردی چنین توانایی را نداشته و ندارد.

به تکرار باید به این مسأله پرداخت که اگر در اوایل کار موضع گیری ها و اجراءات کرزی در جهت منافع ملی چندان محسوس نبوده کاملاً طبیعی است زیرا یک فرد ولو نابغه و از هر دانش عالی بهره مند باشد صرف با دانش فکری نمی تواند آنچه بخواهد انجام دهد، یک فرد در برابر همه قدرتمندان حاضر در صحنه سیاست، آنهم رقبای مسلح نمی تواند بدون در نظر گرفتن موقعیت و منفعت دیگران کار مثبت و دلخواه انجام دهد، شما می دانید که در آغاز تشکیل اداره موقت جناب کرزی با حمایت اعلیحضرت ظاهر شاه و دولت امریکا با یک سروتن و یک «چین» در رأس اداره افغانستان قرار گرفت و دیری نپائید که با رشد اختلافات با عناصر داخلی و امریکا به غیر اینکه راه مصلحت را در پیش گرفته و موریانه وار در قدرت رخنه کند چاره دیگر نداشت ولی هوشیارانه و حوصله مندانه توانست در وزارت دفاع و داخله که در آغاز کاملاً از عناصر پیرو و تقسیم فہیم تشکیل شده بود، آنرا یک اندازه در جهت اجرای سیاست های خود تغییر دهد، پارلمان را که اکثراً نمایندگان متشکل از عناصر منفعت جو و

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بی بند و بار به مسایل ملی بوده آنها را نیز آهسته آهسته توانست کمی رام و راضی نماید و بدین ترتیب حالا در موقعیتی قرار گیرد که با دولت امریکا هم چانه زند.

خلاصه قدرتی را که امروز بدست آورده معلوم است که در آغاز کار نداشته و کاری را که اکنون می تواند انجام دهد در دوره های اول کاری خود نمی توانسته انجام دهد. فقط حال می تواند به سخن شما «چپش را چپه ببوشد»

ص ۲- پ ۱: «برای من جای بس تعجب است که جناب شما می نویسید، آقای دوکتور رنگین دافر سپینتا از موضع برحق و استوار رئیس جمهور کرزی دفاع کرد، داکتر سپینتا . . . همکار و مشاور معتمد بلند رفته کرزی بوده، تنخواه خوار و مسوولیت موقف و موضع کرزی را تائید و از آن حمایت می نماید و این کدام کارخارق العاده نبوده هیجان و به پا ایستادن و کف زدن تعریف و توصیف را ایجاب نمی نماید - آیا شما میخواستید به مخالفت امر خود نظر بدهد؟ داکتر سپینتا زمام دار ویا سفیر یک کشور خارجی نیست و نه سرمنشی ملل متحد است و رئیس شورای ملی و یا مجلس سنای افغانستان هم نیست که طرفداری او از موضع کرزی مهم ویا ارزش تلقی گردیده موقف کرزی را مستحکم بسازد...»

محترم آقای عباسی!

از استدلال تان چنین بر می آید که شما ارزش داوری در مسایل اختلاف بین دو کشور را صرفاً به مقامات بلند دولتی نسبت می دهید، اگر این نظر را بپذیریم بعد از کرزی داوری معاون اول و دوم ریاست جمهوری می باید دارای اهمیت و ارزش بالایی باشد. یعنی از دید شما سطح دانش علمی اجتماعی انسان های بی مقام چندان مهم نیست، در حالیکه از دید آگاهان سیاسی و روشنفکران کشور دوکتور سپینتا در افغانستان از جایگاه بلند اجتماعی سیاسی و تجربی برخوردار بوده او صرفاً، یک مأمور اجیر معاش خور نیست که هرچه ارباب قدرت اراده کند و بخواهد وی انجام دهد. با شناختی که من از درایت و صداقت و وطن دوستی وی دارم شخص دوکتور سپینتا صرفاً برای دریافت معاش کار نمی کند منافع ملی برایش بسیار مهم است. لذا او و یا هرکس دیگری که مثل او با منطق بران و قاطعانه از منافع کشورش دفاع نماید جا دارد که برایش احترام گذاشت و کف زد.

ص-۲ پ-۳: «متأسفانه ما تصور کردیم که جنگ امریکا بخاطر گل روی ما است و بخاطر احترام به حقوق بشر، آزادی و دیموکراسی است که پای امریکا را به این دیار کشانید درحالیکه یک انتقام جوئی و فرونشاندن احساسات مردم امریکا انگیزه این تهاجم بود و نا دانسته و خوش باورانه ویا بخاطر منافع شخصی سخاوتمندانه همه اختیار وطن خویش را به آنها سپردیم در واقعیت این جنگ امریکا بود و پای ما در آن جبراً کشانیده شد ورنه قرار گاه و پایگاه تروریزم آنسوی خط دیورند بوده.»

محترم آقای عباسی!

کسانیکه از قدرت و سیاست اندک شناخت و آگاهی دارند می دانند که قدرت های جهان در آنچه که منافع ملی شان نهفته باشد به دفاع از آن عمل می کنند و در پی آن نیستند که افراد کشور ضعیفی چون افغانستان از عملکرد شان برداشت خوب می نماید یا بد، اصلاً تصمیم و اراده آنها «به خوش باوری یا سخاوتمندی» ما ارتباط ندارد. اگر بقول شما کسانی «تصور می کردند که جنگ امریکا بخاطر گل روی مردم افغانستان و بخاطر احترام به حقوق بشر و دیموکراسی است» مشکل خود شان بوده باید کمی از خواب غفلت بیدار شوند. ۲۰۱۴/۰۲/۱۴

پایان

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی